

ایران‌نامه

مجله تحقیقات ایران شناسی

ویژه تصوف

زیر نظر سیدحسین نصر

مقاله‌ها:

جوانمردی در ایران اسلامی	محمد جعفر محبوب
سهم ایرانیان در ادب صوفیانه عرب	احمد مهدوی دامغانی
تأثیر ایران بر ادبیات و تصوف در آسیای جنوبی	خلیق احمد نظامی
عین القضاة همدانی و رساله شکوی الغریب او	حمید دباشی
اهمیت آثار فارسی سهروردی	مهدی امین رضوی
مفهوم علم در مثنوی مولانا جلال الدین	محمد استعلامی
خواجه خرد و رساله نور وحدت وی	ویلیام چیتیک
عرفان نظری و سیر و سلوک در تصوف	سیدحسین نصر

نقد و بررسی کتاب:

طریق صوفیانه معرفت	لئونارد لوئیزان
از دواج موقت و ضرورت‌های اجتماعی	ولی رضا نصر
حدیث نامکرر ایران و غرب	نادر انتخابی

ایران نامه

مجله تحقیقات ایران شناسی
از انتشارات بنیاد مطالعات ایران

گروه مشاوران :

گیتی آذری، دانشگاه کالیفرنیا - برکلی
پیتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک
راجر سیوری، دانشگاه تورنتو
ریچارد فرای، دانشگاه هاروارد
محمدجعفر محبوب
سیدحسین نصر، دانشگاه جورج واشینگتن
احسان بارشاطر، دانشگاه کلمبیا

دبیران:

داریوش شایگان
شاهرخ مسکوب

دبیر نقد و بررسی کتاب:

احمد کریمی حکاک

مدیر:

هرمز حکمت

بنیاد مطالعات ایران که در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱ م) بر طبق قوانین ایالت نیویورک تشکیل شده و به ثبت رسیده، مؤسسه‌ای است غیرانتفاعی و غیرسیاسی برای پژوهش درباره میراث فرهنگی و شناساندن جلوه‌های عالی هنر، ادب، تاریخ و تمدن ایران. این بنیاد مشمول قوانین «معافیت مالیاتی» ایالات متحده آمریکا است.

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران نامه» با ذکر مأخذ مجازست. برای تجدید چاپ تمام یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.
نامه‌ها به عنوان سردبیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

Editor, Iran Nameh

4343 Montgomery Ave., Suite 200
Bethesda, MD 20814, U.S.A.

تلفن: ۱۹۹۰-۶۵۷-۳۰۱

بهای اشتراك

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:
سالانه (چهار شماره) ۳۵ دلار، برای دانشجویان ۲۰ دلار، برای مؤسسات ۶۵ دلار
برای سایر کشورها هزینه پست به شرح زیر افزوده می شود:
با پست عادی ۶/۸۰ دلار
با پست هوایی: کانادا ۱۲ دلار، اروپا ۲۲ دلار، آسیا و آفریقا ۲۹/۵ دلار

جوانمردی در ایران اسلامی

معمولاً کلمه عربی فتوت را مترادف جوانمردی و رادی (فارسی) و عیاری (عربی) و اخی لبق (ترکی) می‌دانند. درهریک از این سه زبان باز می‌توان واژه‌های دیگری را بدین مفهوم یافت. با این حال، گویا کلمه فتوت برای بیان آن روش و منش اخلاقی و آیین و سازمان اجتماعی که قرن‌ها در تمام جوامع کشورهای اسلامی (و نیز در کشورهای غیرمسلمان) وجود داشته و در هر عصر به رنگی درآمده و خود را با اوضاع و احوال تاریخی و اجتماعی تطبیق داده و هنوز نیز پاره‌ای از بقایای آثار و احوال آن همه جا دیده می‌شود، از سایر واژه‌های هم معنی خویش مشهورتر باشد.

تاکنون مرسوم چنان بوده که آیین فتوت و سازمان‌های آن را زاده دوران بعد از اسلام می‌دانستند و تحقیق در آن را از قرآن کریم آغاز می‌کردند، اما چون بعضی خصلت‌های جوانمردانه فطری و طبیعی آدمی است هیچ شک نیست که راه و رسم‌هایی نظیر آن، البته نه بدان تکامل و گستردگی که در دوران پس از اسلام بدان برمی‌خوریم، در تمام جامعه‌ها وجود داشته و فراوانی واژه‌هایی که این مفهوم را می‌رساند در زبان‌های عربی و فارسی و ترکی گواه قدمت این

* استاد پیشین دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مؤلف مقالات متعدد در باره جوانمردی.

آداب است.

کلمه فتوت به صورت مصدری در قرآن کریم نیامده اما مشتقات گوناگون آن ده بار در کتاب کریم آمده است بدین شرح: فُتِيَ (۱۶/۱۲) فُتِيَان (۳۶/۱۲) فُتِيَه (۱۳/۱۸) الْفُتِيَه (۱۰/۱۸) لَفُتِيَه (۶۱-۵۹/۱۸) فُتِيَهَا (۳۰/۱۲) لَفُتِيَانِه (۶۲/۱۲) فُتِيَاتِكُمْ (۲۴-۲۹/۴).

در تفسیر این آیت‌ها فُتِيَات را کنیزان و پرستاران و فُتِيَان و فُتِيَان را غلامان و کارگزاران ترجمه کرده‌اند. لیکن فُتِيَ را جوان و جوانمرد و نیز شاگرد (در مورد یوشع، جانشین و مصاحب موسی) گفته و فُتِيَه (در مورد اصحاب کهف) را نیز جوانمردان ترجمه کرده‌اند. بنابراین در سراسر قرآن کریم جز در دو سه مورد یادی از جوانمرد و جوانمردی در تفسیر لفظ فُتِيَ نشده و آن‌ها نیز در مورد ابراهیم و یوسف و اصحاب کهف است.

در جنگ أحد نیز علی (ع) فُتِيَ خوانده شد چه در آن جنگ چندان دلیرانه به مبارزه و مقابله با دشمنان پرداخت که در حق او گفته شد: "لا فُتِيَ الْأَعْلَى" و ظاهراً قسمت دوم یعنی "لا سیف إلا ذوالفقار" مدتی بعد بدان افزوده شده است. گویا نیامدن مصدر فتوت در قرآن کریم از آن روی باشد که به خلاف مشهور در دستور زبان‌های عربی و فارسی که مصدر را سرچشمه و خاستگاه و جوه گوناگون افعال و مشتقات اسمی مصدر معرفی می‌کنند، در واقع مفهوم معنوی مصدر مدتها پس از پدید آمدن صیغه‌های گوناگون افعال و در نتیجه انتزاع مفهوم حالت یا عملی که فعل آن را می‌رساند ساخته شده است، و این انتزاع کار ذهن‌های ناآزموده اقوام باستانی نیست. هم امروز نیز در زبان‌های گوناگون، نخست صیغه‌های فعل یا صفت‌های فاعلی و مفعولی پدید می‌آیند و مصدر مدتی دراز پس از آن ساخته می‌شود.

قدمت بعضی از آثار و نشانه‌های فتوت به دوران‌های بسیار دور، روزگار پیش از تاریخ باز می‌گردد. ولادیمیر پروپ (Vladimir Propp) دانشمند بزرگ روسی فرهنگ عامه، در کتاب گران بهای خویش موسوم به "ریشه‌های تاریخی قصه" از خانه‌های ویژه‌ای به نام خانه مردان در یکی از فصل‌های کتاب نام می‌برد و در باب آن توضیح می‌دهد. با کمال شگفتی درمی‌یابیم که بسیاری از خصوصیات و راه و رسم‌هایی که در این خانه‌ها وجود داشته هزاران سال بعد در باشگاه‌های جوانمردان، که آن‌ها را "لنگر" می‌نامیده‌اند، رعایت می‌شده است. در باب این لنگرها ابن بطوطه مطالب مشروح و مفیدی در سفرنامه خویش آورده است. اوحدی سراغه‌ای نیز در مثنوی جام جم، در فصلی مختصر مربوط به فتوت به آنچه

در این گونه باشگاه ها می‌گذشته اشاره می‌کند، گو این که نظریات اوحدی از دیدی انتقادی خالی نیست.

به هر حال، قرینه‌هایی در دست است که قدمت روش جوانمردان، یادست کم ریشه‌های اساسی آن را به دوردست تاریخ یا پیش از تاریخ باز می‌گرداند. بنابراین چندان عجب نیست که عربی‌زبانان در شعر جاهلی و آداب و رسوم عصر جاهلیت به دنبال ردپای فتوت می‌گردند و بهار شاعر و محقق بزرگ ایرانی معاصر و نیز شادروان دکتر پرویز خانلری در مشتقات و خویشاوندان کلمه عیار در فرهنگ‌های مفصل عربی معنایی که مناسب با آیین عیاری باشد نمی‌یابند و معتقد می‌شوند که این کلمه از اصل پهلوی آن در عربی راه یافته است و از این گونه واژه‌ها که اصل آن فارسی یا غیر عربی باشد در قرآن کریم نیز کم نیست و برای دیدن بخشی از آن‌ها می‌توان به *الاتقان فی علوم القرآن* سیوطی یا کتاب جفزی در باره واژه‌های بیگانه در قرآن رجوع کرد.

*

به نظر می‌رسد که سیر تکامل آیین جوانمردی نیز همانند دگرگونی اصل خویش، یعنی تصوف باشد، زیرا در *فتوت نامه سلطانی* می‌خوانیم که «علم فتوت شعبه ای است از علم تصوف». و آملی نیز در *تاریخ الفنون* که چند قرن متقدم بر *فتوت نامه سلطانی* است همین نکته را تأیید کرده است. در تاریخ تصوف آمده است که کار صوفیان در دوران بعد از اسلام نخست با روی آوردن به زهد و اعراض از دنیا و راستی و کم‌آزاری و خدمت به خلق آغاز شد. رفته رفته در طی قرون گروه‌های صوفیان پدید آمدند و آداب و ترتیب و تشریفات خاص از سر سپردن به پیر و معتکف شدن در خانقاه و چله نشستن و دیگر مراسم آن شکل گرفت و سلسله‌های گوناگون تصوف پدید آمد که گاه بعضی از آنها با بعضی دیگر راه دشمنی می‌سپردند و حالت هم چشمی و رقابت با یکدیگر داشتند.

عین این گونه تحول در آداب فتوت نیز پدید آمده است. نخست جوانمردان، افراد خوش باطن و شرافتمندی بودند که آراستگی به ملکات فاضله اخلاقی را روش خود قرار می‌دادند از قبیل راست گفتن، ایثار، حمایت از مظلوم در برابر ظالم، انصاف به خلق دادن و از دیگران انصاف نخواستن و دل و زبان را با هم یکی داشتن و صفات و شعائر دیگری از این دست.

در همین حال، گروهی دیگر که آنان نیز خود را جوانمرد می‌خواندند، روی به خوش باشی و عشرت رانی و تقویت نیروی بدنی آوردند. روش و منش لوطیان و داش مشدی‌های روزگار ما بازمانده مرام و مسلک آن گروه است.

اما رفته رفته هریک از این دوگروه گردهم جمع و متشکل شدند و "زاویه" ها و "لنگر" ها پدید آوردند. مردی هم سنگ "شیخ" درخانقاه، سرپرست و متصدی زاویه‌ها و لنگرها شد که او را "زاویه دار" می گفتند.

فراهم آمدن جوانمردان دراین مراکز تجمّع موجب پیدایی آدابی شد از قبیل نسبت‌های معنوی میان جوان مردان (استاد شدت و پدرعهده‌الله و رفیق و ابدال و غیره) و مراسم شدت (کمر بسته شدن) و صید مرغان و مانند آن که آن‌ها نیز در طی قرون خود را به اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و مذهبی هر جامعه تطبیق می‌دادند. بدین ترتیب گروه‌ها و احزاب و خاندان‌های (بیوت) فتوت پدید آمدند از قبیل خلیلیّه و رهاصیّه و شحینیّه و مولدیّه و نبویّه که: «سنی هستند و به فتوت و تمام اصول جوانمردی سخت پای بند و در پذیرفتن افراد به فرقه خود بسیار سخت‌گیر و احتیاط کارند و سر انجام هرکس که بخواهد دراین گروه وارد شود باید سوگند یاد کند. نبویان در هرکجا که راضیان را ببینند و به چنگ آورند آنان را می‌کشند و هم بستگی و یکدلی و رازداری و اتحاد و اتفاق ایشان شگفت انگیز است.»^۷

دراین روزگاران صفحات تاریخ پُر است از زدوخوردها و ستیز و آویزهای خاندان‌ها و گروه‌های مختلف عیاران و جوانمردان که در آن میان گاه کار به خون ریزی‌های پُردامنه نیز می‌کشید و نیروهای انتظامی مجبور می‌شدند دسته‌های متخاصم را از یکدیگر جدا کنند. گاهی امنیت بغداد که مرکز خلافت اسلام بود، مانند شهرهای دیگر، بر اثر این زدوخوردها به خطر می‌افتاد. حتی درخراسان و سیستان نخستین حکومت مستقل ایرانی به وسیله گروهی از عیاران سیستان به رهبری یعقوب لیث تأسیس شد و نزدیک یک قرن دوام یافت. ترجمه حال و نوادر حکایت‌های یعقوب را می‌توان در مراجعی مانند *مروج الذهب* مسعودی و *کامل التواریخ* ابن اثیر و دیگر آثار ادبی مانند *جوامع الحکایات* عوفی خواند. اما مراجع مهم دیگری که داستان‌های این گروه را - البته با اغراق و مبالغه‌ای که لازمه فن داستان سرایی است - بیان داشته‌اند داستان‌های *عومانه* کهن فارسی: *سمک عیار*، *ابومسلم نامه* و *داواب نامه* از ابوطاهر طرسوسی و *داستان فیروز شاه* از مولانا محمد بیغمی است که اگر چه افسانه است با روش‌های علمی خاص مطالعه داستان‌های عوام می‌توان در آن‌ها به نقطه حقیقت راه برد.

در روزگار مخالفت و جنگ و ستیز گروه‌های گوناگون عیاران با یکدیگر، بعضی گروه‌ها به خلفای فاطمی مصر که دشمنان قسم خورده عباسیان بودند گرایش یافتند و این امر موجب شد تا عباسیان فشار بر آنان را افزایش دهند

و در تعقیب و آزار آنان کوتاهی روا ندارند. نتیجه تمام این تحولات آن شد که به سال ۵۷۸ ه.ق. / ۱۱۸۰ م. الناصرالدین الله خلیفه عباسی خود به آیین فتوت گروید و سراویل فتوت پوشید. یکی از مورخان در این باب چنین نوشت:

ابتدای این کار، یعنی فتوت ناصری، در سال ۵۷۸ اتفاق افتاد. در این سال ندیمان خلیفه او را به آمدن درسک جوانمردان تشویق کردند و این کار را در نظر وی نیکو جلوه دادند تا سرانجام پس از جلب موافقت خلیفه مردی موسوم به عبدالجبار بن یوسف بن صالح از روسای جوانمردان را که مریدان بسیار داشت با فرزندش شمس‌الدین علی و دامادش یوسف العقاب حاضر آوردند. . . . خلیفه و ندیمان او نیز در این مجلس شرکت جستند و عبدالجبار خلیفه را سراویل فتوت پوشانید و بدو گفت که وی این کسوت را از فلان شیخ گرفته و او نیز از فلان و فلان کس، و سلسله سند فتوت خود را به امام علی بن ابی طالب (ع) رسانید.

پس از پیوستن ناصر به آیین فتوت که خود یکی از حوادث بزرگ تاریخ فتوت است حادثه‌ای دیگر از آن بزرگتر به وقوع پیوست. ناصر به سال ۶۰۴ ه.ق. (۱۲۰۷ م.) تمام احزاب و قبایل جوانمردان را باطل اعلام کرد و دستور داد جوانمردانی که فتوت را از خلیفه یا کسان او نگرفته‌اند، ورود خود را بدین آیین تجدیدکنند و فتوت خود را از او بگیرند و بدین ترتیب خود را قطب و قبله جوانمردان ساخت و علاوه بر آن که تمام جوانمردان ناگزیر بدو پیوستند، تازه واردان نیز مکلف بودند جوانمردی را از او بگیرند و به خلیفه پیوندند.

این فتوت رسمی تا دوران فروپاشی سلسله خلفای عباسی و سقوط بغداد و گشته شدن مستعصم به سال ۶۵۶ ه.ق. / ۱۲۵۱ م. ادامه یافت و از آن پس نیز در نواحی دوردست تر، در مصر و ایران این موج گسترش یافت. اما در مرکز پیدایی آن عراق به رکود و انحطاط گرایید. از آن پس سیل خروشان ایلغار مغول و یورش‌های پیاپی تیمورجایی برای رشد سازمان‌های جوانمردی باقی نگذاشت. گروهی از جوانمردان، از تبار پهلوانان و زورآوران و داش مشدی‌ها درخفا به نیرومند کردن خویش پرداختند تا در هنگام برابری با دشمن نیروی مقابله با او را داشته باشند.

از سوی دیگر اصول فتوت به صورت نظامی صنفی در میان اصناف گوناگون پیشه‌وران و صنعتگران راه یافت. برای اهل هر پیشه رساله عملی مختصری نوشته شد که عنوان آن "فتوت‌نامه" بود و به هر صنفی که تعلق داشت نام آن صنف نیز به این عنوان افزوده می‌شد: "فتوت‌نامه چیت‌سازان"، "فتوت‌نامه کفشگران"، "فتوت‌نامه بافندگان" و مانند آن. ظاهراً هر صنف یک رساله از این

گونه داشته که برای هریک از واردان بدان نسخه‌ای نوشته می‌شده و کارگر آن صنف را به آموختن و رعایت اصول آن وا می‌داشته‌اند. این اصول به طور اختصار و با اندک مسامحه‌ای عبارت بوده است از:

الف) بر ساختن "پیر"ی از میان پیامبران یا بزرگان و نیکان و یاران رسول اکرم به عنوان پیر آن صنف و کسی که آن حرفه از او سرچشمه گرفته است: حضرت نوح پیر درود گران است (به اعتبار ساختن کشتی) ابراهیم پیر قصابان و سلاخان (به اعتبار قصد قربانی کردن پسرش اسماعیل، به اعتقاد مسلمانان، یا اسحاق، به اعتقاد مسیحیان و یهودیان) و سلمان فارسی پیر آرایشگران است (به اعتبار پیراستن موی رسول اکرم ^ص) و از همین روی در ایران صنف آرایشگر را که در کشورهای دیگر حجام یا دلاک یا حلاق گفته می‌شوند "سلمانی" می‌خوانند.

ب) جنبه تقدس دادن به آن شغل و ایجاد یک ریشه آسمانی و ماوراء طبیعی برای آن تا اهمیت آن پیشه در نظر کارگر افزون شود و به کار خود به دیده احترام بنگرد. نیز درست به همین منظور برای هریک از ابزارهای اصناف ذکری قائل شده‌اند و گویند مثلاً کارد یا سندان یا چکش با این یا آن لفظ خدا را تقدیس می‌کند.

ج) بیان اصول صداقت و امانت و درست کاری و دل سوزی در کسب و کار و تهیه محصولات بی عیب و رعایت صرفه مشتریان و مغبون نکردن ایشان و راه آمدن با خریدار و پرهیز از اجحاف و خلاصه بیان اصولی ساده از اخلاق عملی که رعایت آن در هر نوع کسب و کار مایه رواج بازار و رضای مشتری و رونق آن پیشه می‌شود. در اصل نیز فتوت نوعی تصوف عملی است و پیر و مرتبی جوانمردان می‌کوشد تا آنان را با خلق نیکو و ملکات فاضله آشنا کند و ایشان را شرافتمند و راست کردار و درست کار و با انصاف و دشمن جور و ستم بار آورد. نظام‌های صنفی فتوت روزگاری دراز برجای ماند و آثار آن تا روزگار آغاز قرن بیستم در سراسر کشورهای اسلامی دیده می‌شود. واپسین اسناد مکتوبی که از این گونه فتوت برجای مانده یکی خطابه‌ای است در باره اوضاع اصناف گوناگون صنعت گران دمشق که الیاس عبده قدسی آن را در اواخر قرن نوزدهم (۱۸۸۳) به ششمین کنگره خاورشناسان که در لیدن منعقد شد تقدیم کرد و این نخست بار بود که خطابه‌ای به زبان عربی "زبانی غیر اروپایی" بدین کنگره عرضه شده و به علت اهمیت فوق‌العاده موضوع مورد توجه قرار گرفته و جزء خطابه‌ها و سخن رانی‌های کنگره چاپ شده است.

دانشمندی که الیاس قدسی را به گردآوری این اطلاعات واداشته بود

درمقدمه‌ای به زبان فرانسوی درباره آن می‌نویسد: «این مقاله پس از پایان کار کنگره به من رسید و چندان به وسیله دستگاه‌های ضدعقونی اداره پست آسیب دیده بود که در آغاز کار از امکان بازسازی متن آن نومید بودم. . . این نخستین بار است که مردی عرب اجازه می‌یابد کاری را به کنگره شرق شناسان عرضه دارد.»

دومین مطلبی که درباره کار و کردار جوانمردان منتهی‌الیه شرقی کشورهای اسلامی یعنی نواحی بخارا و سمرقند است در کتاب جالب توجه یادداشت‌های صدرالدین عینی قید شده است. عینی خود از فرزندان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بوده و در واپسین سال‌های قرن نوزدهم به دنیا آمده است. وی در دوران جوانی مطالبی را درباره جوانمردان و تشکیلات ایشان از سال خوردگان شنیده و مرد بسیار قابل‌ی را که در آن روزگار "مردمردان" نامیده می‌شده، یعنی در عالی‌ترین مقام ایشان قرار داشته و به شغل پارچه بافی روزگار می‌گذاشته و از دسترنج خویش نان می‌خورده است با شور و شوق فراوان می‌ستاید. گویا پس از درگذشت این بزرگ مرد دیگر کسی به مقام مردان نرسیده و تشکیلات جوانمردی در بخارا نیز اندک اندک مضمحل شده و جز بقایا و آثاری پراکنده از آن برجای نمانده، چنان که در ایران کنونی نیز وضع به همین منوال است.

*

درباره آیین فتوت بسیار گفته و نوشته اند چندان که شاید بعضی رساله‌ها و نوشته‌های آن هنوز کشف نشده و بسیاری دیگر انتشار نیافته و به صورت دست نویس باقی است. با این حال مدارک و مطالب مربوط به فتوت را به دو گروه بزرگ می‌توان تقسیم کرد:

۱. مطالبی که دانشمندان غرب با مطالعه مدارک بازمانده در کشورهای اسلامی نوشته و فتوت را از نظر و با روش خویش تحلیل کرده‌اند. این مطالب اگرچه اهمیت و ارزش بسیار دارد و از نکته‌ها و اظهارنظرهای جالب توجه فراوان خالی نیست، اما به هرروی تمام آن‌ها براساس مدارک بازمانده در کشورهای اسلامی (و اغلب به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی) نوشته شده است. ما در این گفتگو به این دسته از مدارک کار نداریم چه بررسی و ارزیابی تمام یا دست کم قسمت اعظم آنها درخور تألیف کتابی است و بنده این کار را آغاز کرده است و از خداوند توفیق می‌خواهد که آن را به پایان آورد.
۲. مدارک فراوان به صورت کتاب‌ها، رساله‌ها و فصول و ابواب پراکنده در دائرة المعارف‌ها و متن‌های صوفیانه و کتاب‌های تاریخی و اجتماعی و حتی داستان‌های عوامانه.

این گونه مطالب است که هنوز دانشمندان به تمام آنها دست نیافته و به انتشار بخشی از آنچه به دست آمده است هم توفیق نیافته‌اند. با این حال این مدارک را نیز می‌توان در سه گروه مجزا و متمایز طبقه بندی کرد:

الف) نخستین و قدیم ترین کتاب‌هایی که از فتوت سخن در میان آورده‌اند. آنان در روزگاری نوشته شده‌اند که جوان مردان هیچ نوع سازمان اجتماعی و حزب و گروه و بیت و قبیله‌ای نداشته‌اند. در نتیجه در این گونه منابع، جوانمردی تعریف شده و مؤلف به ستایش آن پرداخته و ابعاد گوناگون آن را شرح داده و گاه حکایت یا مثالی درتأیید گفته خویش آورده است.

نمونه این گونه کتاب‌ها در زبان عربی کتاب *الفتوة* از ابو عبدالرحمان سلمی نیشابوری (متوفی ۴۱۲ هـ. ق. ۱۰۲۱) است که نسخه یگانه‌ای از آن در جزء مجموعه شماره ۲۰۴۹ کتاب خانه ایاصوفیا (برگ‌های ۷۸ تا ۹۹) محفوظ است. این کتاب نخست به صورت گزیده چاپ شده و ترجمه انگلیسی آن نیز انتشار یافته است. در زبان فارسی نیز باب چهل و چهارم *قابوس نامه* که بزرگ ترین و اوپسین باب این کتاب کهن و پُر ارزش اجتماعی است به شرح جوانمردی اختصاص یافته و آن نیز همانند کتاب سلمی است.

ب) پس از سازمان یافتن فتوت و پدید آمدن بیوت و احزاب آن، بدیهی است که در کتاب‌های فتوت می‌بایست اوصاف جوانمرد و پس از آن شرح سازمان فتوت، شرایط ورود بدان، تعیین کسانی که اجازه ورود به حزب جوانمردان را ندارند، روش و منش جوانمرد پس از پیوستن بدان حزب، و رفتارهایی که موجب طرد اعضا خواهد شد، و مجازات‌هایی که به خاطیان تعلق خواهد گرفت جزء به جزء مورد توجه قرار گیرد و از آن‌ها سخن گفته شود.

برای فرامودن مثالی از این گونه کتاب‌ها از *الفتوة* اثر ابن معمار حنبلی، قدیم ترین سندی که در باب فتوت رسمی ناصری در دست است و به عربی نوشته شده، و نیز از *فتوت نامه* منظوم ناصری سیواسی که در ۸۸۲ بیت به سال ۶۸۹ هـ. ق. ۱۲۹۰ سروده شده است نام می‌بریم. کتاب ناصری نیز از اسناد گران بهای تحقیق در تاریخ فتوت است.

ج) کتاب‌های کوچک و مختصری که به عنوان رساله عملیه برای افراد هرصنف نوشته می‌شده و نمونه‌های فراوان از آن در دست است و برای نمونه می‌توان به *فتوت نامه چیت سازان*، که جزء *رسائل جوانمردان* چاپ انستیتوی ایران و فرانسه انتشار یافته، اشاره کرد.

در پایان این بحث نمی‌توان از مهم ترین و بزرگ ترین متنی که درباره فتوت

نوشته شده است یاد نکرد. این متن، فتوت نامه سلطانی اثر مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری، واعظ، پهلوان، جوانمرد، مفسر و ادیب موفق و مشهور است. با آن که دونسخه‌ای که تاکنون از این فتوت نامه شناخته شده ناقص است و احتمال قوی می‌رود که عمر مؤلف به تکمیل این اثر بزرگ و گران بها وفا نکرده باشد، اما درعین حال و باهمین نقائص متن مذکور از لحاظ ارزش و اهمیت در درجه اول قرار دارد و هیچ گونه تحقیقی در فتوت بدون مطالعه دقیق آن صورت کمال نخواهد یافت.

کتاب حسین واعظ درحقیقت مجموعه ای است از هر سه نوع مدارک فتوت. درآغاز، به رسم قدیم ترین کتاب‌های فتوت به شرح و بیان این آیین پرداخته، سپس سازمان اجتماعی فتوت و شرایط اعضا و رهبران گروه فتیان، نقیب و استاد شدت و پدر عهدالله و داوطلبان ورود به حزب فتیان را به تفصیل باز گفته است. او باخود مقرر کرده بوده که وظایف و رفتارها و ویژگی‌های هرصنف را نیز در طی فصول و ابوابی بنویسد. اما کتاب او دراین بخش ناقص مانده و جز چند گروه، از قبیل اهل معرکه (پزشک، زورگر، قصه خوان، شعبده باز و . . .) و اهل قبضه (قصاب، آهنگر، درودگر و . . .) و مانند آن ها درآن یاد نشده است. امیدوارم روزی نسخه‌های دیگری از این کتاب به دست آید تا بتوان به یقین درباره ناقص ماندن یا کامل شدن آن از سوی مؤلف داووری قطعی کرد.

پانویس‌ها:

۱. محاضرة الاوائل و مسامرة الاواخر، ص ۶۹، به نقل مصطفی جواد درمقدمه: ابن‌المعمار، کتاب الفتوة، بغداد، ۱۹۵۸، ص ۷.
 ۲. شاهد این مطلب درزندگی روزانه و در زیر نظر ما اتفاق می‌افتد. برای مثال گوییم که در زبان فارسی امروز کلمه رزم اسم معنی و به معنی جنگ است. درسال‌های ۱۳۲۳-۱۳۳۰ خورشیدی، در روزگار اوج فعالیت حزب توده ایران، اعضاء آن برای نخستین بار کلمه "رزمنده" و جمع آن "رزمندگان" را به صورت صفت فاعلی به کار بردند. پس از انقلاب اسلامی، انقلابیان از این کلمه به طور وسیع استفاده کردند. نیز در دوران انقلاب شعاری بدین گونه برسرزبان‌ها افتاد: «خمینی می‌رزد، کارتر می‌لرزد!» می‌رزد سوم شخص مضارع اخباری است. اما نه تنها اشخاص دیگر این فعل (می‌رزم، می‌رزمی. . . الخ) درفارسی به‌کار نرفته بلکه از آن فعل‌های ماضی و امر نیز ساخته نشده و هرگز کسی مصدر "رزمیدن" را به کار نبرده است.
- اگر این فعل و کاربردآن بیشتر توسعه یابد ممکن است صیغه‌های دیگر و افعال دیگر و نیز

مصدرهای آن نیز درآینده در زبان ما به کار رود.

این یک مثال برای نمونه ذکر شد ورنه درمیان فعل های قدیم تر نیز می توان مثال های فراوان یافت که صیغه ای، یا فعلی به کار رفته انا مصدر آن در زبان وارد نشده باشد.
۳. ر.ک. به:

Vladimir Propp, *Les Racines historiques du conte merveilleux*, NRF, Paris, 1983, chap. IV, pp.143.

پروپ در این فصل با شرح و تفصیل تمام دربارهٔ خانهٔ بزرگی که در جنگل وجود داشته و نوجوانان پس از گذراندن آیین ها و تشریفات بسیار دشوار "پاگشایی" (Initiation) و درآمدن در گروه "مردان" بدان خانه ها می روند و روزگار تجرد خود را تا روز زناشویی و تشکیل خانواده در آن می گذرانند، سخن گفته است.

با آن که تاریخ ایجاد این خانه ها بسیار کهن تر از روزگار شکل گرفتن و تأسیس زاویه ها و لنگرهای فتوت است، با این حال بسیاری از آداب و رسوم رایج در "خانهٔ بزرگ" با آداب زاویه های جوانمردان همانند است و این امر عمردراز و سخت جانی دوام فوق العاده سنت ها و آداب و رسوم را به صورتی شگفتی انگیز به اثبات می رساند.

۴. ابن بطوطه، *سفرنامه*، ترجمهٔ محمدعلی موحد، چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، صص ۲۸۱ به بعد.

در این کتاب شرحی مبسوط از وضع جوانمردان آسیای صغیر و ایران، خاصه اصفهان، آمده است.

۵. اوحدی، *جام جم*، به تصحیح وحید دستگردی، ضمیمهٔ سال هشتم *مجلهٔ ارمغان*، تهران، تیرماه

۱۳۰۷ خورشیدی، صص ۱۱۲-۱۲۲. مجموع سخنان اوحدی در این باب ۱۶۹ بیت است.

۶. شمس الدین محمّدبن محمود آملی، *تفاسس الفنون فی عوایس العیون*، تهران، ۱۳۷۹ هـ. ق.

کتاب فروشی اسلامیة، جزء دوم، صص ۱۱۰-۱۲۸. وی فتوت را به عنوان «فن پنجم از علوم متصوّف» علم فتوت می داند، که عبارت است از معرفت و کیفیت ظهور نور فطرت انسانی.

۷. ابن جبیر، *رحلة*، لیدن، ص ۲۸۰، به نقل مصطفی جواد در مقدمهٔ کتاب *الفتوة*.

۸. علی بن احمد سخاوی حنفی به نقل مصطفی جواد در مقدمهٔ کتاب *الفتوة*، ص ۵۲.

9. Notice sur les corporations de Damas, par Elia Qoudsi fils de Abdo Qoudsi, consul de

Holland a Damas, publiée avec une preface par Carlo Landberg.

بنده مطالب اصلی این گزارش را به فارسی ترجمه کرده و در *مجلهٔ فصل کتاب* چاپ لندن

انتشار داده است.